

۲۰۵۴

تجارتخانه جوراچی پرا

بیاد کار تاریخ مشفق قشون نیرومند که در تحت نوجبات
مخصوصه یگانه قانده توانای ایران باستان علیحضرت
شاهنشاه پهلوی خلداده فکر روزافزونست کاغذی کاری بنام
شکری

که دارای تمیاز مخصوص وزارت جلیله فواید عامه و تجارت
میباشد و از هرجه مثال اشمش آراسته و بر تمام کاغذ
سیکار با ترجیح دارد و با کمال فخر و تقدیم مشتریان
عظام مینماید و کاملاً مطمئن است که با یک مرتبه امتحان و تجربه
تصدیق مقال خواهند فرمود



(۱۳۳۳: حلیۃ الحلال) فی المعنی المولی
 عبد الرحمن الجاوی المتوفی (۱۹۷۷) یتقل عنه
 کذلک محمد بن علی نوید آکی فی شرح معنیات
 میر حسین والظاهره ما عثر به کشف الظنون
 به معنیات جاوی المنتخب من الحلال لشرف
 الدین الیزدی (الذریعة ج ۷ ص ۱۱)
 معنیات جاوی رسالۃ فارسیة مولانا عبد الرحمن
 بن احمد الجاوی المتوفی سنة ۱۹۷۷ ... اولها
 بعد از کشف ایش مقال الخ خصصها من الحلال
 ومنتخبها طولانا شرف الدین الیزدی وشر
 السروی بالترکیة فی سنة ۹۴۱ .
 کشف الظنون ج ۲ طبع سطبول
 ص ۴۶۷

بازدید شد
 ۱۳۸۲

۵۹۰۰

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: حلیۃ الحلال

مؤلف: مولانا عبد الرحمن جاوی

موضوع: ...

شماره ثبت کتاب: ۵۴۲۹

شماره قفسه: ۵۴۲۹

مثل ابن سیرین عن رجل فقال : توفي
 البارحة ، فلما رأي جزع السائل قال : انسا
 اردت بالوفاة النوم
 وكان ابن سیرین يكره اذا اشترى شيئاً
 ان يستوضع من ثمنه بعد البيع ويقول : هذا
 من المسألة

بازدید شد
 ۵۴۲۹

در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...

و در این کتاب که در این کتاب...

در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...

در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...

در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...
و در این کتاب که در این کتاب...

و در این کتاب که در این کتاب...

[illegible][illegible]

卷八

استدعى بعض الخلفاء شعراء مصر
فصادقهم شاعر فقير بيده جرة فارغة ذاهباً
إلى البحر ليلا هائماً فتيبهم إلى أن وصلوا
إلى دار الخلافة فبالغ الخليفة في إكرامهم
والإنعام عليهم ورأى ذلك الرجل والجرة
على كتفه ونظر إلى ثيابه الرثة وقال : من
أنت وما حاجتك فقال
ولما رأيت القوم شدوا رحلهم
إلى بمرك الطائي أنيت بحرني
فاستحسن الخليفة ما أبداه وقال املوا
له الجرة ذهاباً

مقدمه
مختار
حقه علا و علی

